

اثر حضور زنان در افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی: شواهدی از هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی در بورس اوراق بهادار تهران

محمد خراشادی^۱، محمدعلی مرادی^{۲*}، علی پایان^۳

چکیده

در سال‌های اخیر، حضور زنان در عرصه‌های راهبری شرکت‌ها، به‌ویژه در هیئت‌مدیره و کمیته‌های حسابرسی، رشد درخور ملاحظه‌ای داشته است. این پژوهش درصدد است با بررسی تأثیر حضور زنان در کمیته حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی به این پرسش پاسخ دهد که آیا زنان حاضر در کمیته حسابرسی با افزایش اثربخشی آن در ارتباطند یا خیر. برای این منظور، ۶۶۲ مشاهده سال-شرکت در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶، به روش داده‌های ترکیبی و رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که حضور زنان در کمیته حسابرسی رابطه منفی و معناداری با هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی دارد. به سخن دیگر، حضور اعضای زن در کمیته حسابرسی باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی شرکت‌ها می‌شود. در مجموع، نتایج از این دیدگاه حمایت می‌کند که زنان ناظران بهتری بوده و خطرگریزترند و کمتر رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت را تحمل می‌کنند و در نتیجه به افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی منجر می‌شوند.

کلیدواژگان

جنسیت، کمیته حسابرسی، ورشکستگی، هزینه نمایندگی.

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

Mkhorashadi@tvu.ac.ir

۲. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

M_ali_moradi@yahoo.com

۳. استادیار گروه ریاضی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

Payan_iauzy@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

مقدمه

کمیته حسابرسی به‌منزله یکی از ارکان اصلی حاکمیت شرکتی شناخته می‌شود که در دو دهه اخیر و در پی رسوایی شرکت‌های بزرگ (همچون: انرون، وردکام و تایکو) کشورهای توسعه‌یافته شاهد رشد و تکامل آن بوده‌اند. این کمیته به‌منزله یکی از کمیته‌های هیئت‌مدیره واحد اقتصادی، متشکل از ۳ تا ۵ و در برخی موارد ۷ نفر از اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره (یعنی نه مدیر اجرایی و نه در استخدام شرکت) است که مسئولیت نهایی نظارت بر کلیه فعالیت‌های مالی شرکت را برعهده دارد [۹؛ ۱۳]. در این زمینه، باباجانی و بابایی (۱۳۹۰) بهترین روش برای بهبود و پیشرفت حاکمیت هر نهادی را داشتن کمیته حسابرسی قوی می‌دانند. از دیدگاه تئوری نمایندگی، کمیته حسابرسی نقشی بااهمیت را در کاهش مشکلات نمایندگی و بهبود عملیات شرکت بازی می‌کند [۵۱]. مدیران نسبت به سهامداران اطلاعات بیشتری در ارتباط با شرکت دارند و این نامتقارن بودن اطلاعات هزینه سهامداران محسوب می‌شود، زیرا آن‌ها نمی‌توانند آگاهانه در مورد عملکرد شرکت تصمیم‌گیری کنند. در نتیجه، مجموعه‌ای از عوامل حاکمیت شرکتی همچون کمیته حسابرسی می‌تواند در کاهش مشکلات نمایندگی و بهبود عملکرد شرکت مؤثر واقع شود [۲]. کمیته حسابرسی می‌تواند جایگزین بسیاری از نواقص شرکت باشد که موجب ایجاد مشکلات نمایندگی و افزایش خطر ورشکستگی می‌شوند. این نقص‌ها ممکن است رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت، کاهش استقلال حسابرس مستقل، ناکارآمدی سیستم‌های کنترل داخلی و... را شامل شود [۲۱].

حضور زنان در سال‌های اخیر در عرصه‌های راهبری شرکت‌ها، به‌ویژه در هیئت‌مدیره و کمیته‌های حسابرسی، رشد درخور ملاحظه‌ای داشته است [۱۲]. سریندی و همکاران (۲۰۱۱) دلیل این امر را ارزش‌افزایی زنان برای شرکت‌ها می‌دانند. تغییر و تحولات سیستم‌های نظام راهبری در برخی از کشورها موجب شده است دولت‌ها و سازمان‌های حرفه‌ای به تصویب قانون یا دستورالعمل‌هایی برای بهبود تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره و کمیته‌های تخصصی آن از قبیل کمیته حسابرسی مبادرت کنند؛ مثلاً، طبق قانون در کشورهایی چون نروژ، اسپانیا و سوئد به ترتیب باید حداقل ۴۰، ۴۰ و ۲۵ درصد اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها زن باشند؛ در غیر این صورت جریمه می‌شوند [۱۲]. مطابق با ادبیات موجود، انتصاب مدیران زن باعث افزایش استقلال هیئت‌مدیره و بهبود ثروت سهامداران می‌شود [۱۴؛ ۱۵]. زنان می‌توانند بر بهبود کیفیت تصمیمات هیئت‌مدیره و افزایش توانایی هیئت‌مدیره در نظارت بر مدیریت اثرگذار باشند [۲۹]. در مقابل، برخی معتقدند که تنوع جنسیتی ممکن است به پیامدهای منفی از قبیل کاهش عملکرد شرکت منجر شود، زیرا تفاوت در اهداف و افزایش اختلاف نظر در هیئت‌مدیره ممکن است اثربخشی فرایند تصمیم‌گیری را کاهش دهد و در نتیجه عملکرد شرکت را تضعیف کند [۴۹]. باین‌حال، مطالعات دانشگاهی نتیجه‌گیری متضادی در ارتباط با

تأثیر حضور زنان در هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت فراهم کرده است [۲۲؛ ۴۹]. در این رابطه، یسمان و همکاران (۲۰۱۹) استدلال می‌کنند که تحقیق در مورد اینکه آیا حضور مدیران زن حاکمیت داخلی شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد سودمندتر است، نه بررسی رابطه علی بین تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت، زیرا متغیرهای مختلفی می‌توانند عملکرد شرکت را تحت‌تأثیر قرار دهند.

تنوع جنسیتی بین اعضای کمیته حسابرسی یکی از ویژگی‌های اصلی کمیته حسابرسی در بهبود سیستم‌های نظام راهبری است [۱۰]. تنوع جنسیتی باعث افزایش ارتباطات، به‌کارگیری دیدگاه‌های متنوع و اثربخشی در کمیته حسابرسی می‌شود [۴]. حضور زنان در کمیته‌های حسابرسی از دو منظر اجتماعی و اقتصادی نیز قابل بحث است. از نظر اجتماعی، زنان حق فرصت برابر همانند مردان در پست‌های مدیریتی دارند و از نظر اقتصادی سازمان، به دور از جنسیت افراد، باید به دنبال گزینش افراد اصلح برای پست‌های مدیریتی خود باشند. تبعیض جنسیتی باعث خواهد شد که سازمان از منابع انسانی به نحو احسن استفاده نکند [۸]. در این زمینه، اورادی و ایزدی (۲۰۱۹) بیان می‌دارند که حضور زنان در کمیته‌های حسابرسی روش مناسبی برای بهبود گزارشگری و افزایش اطمینان‌بخشی صورت‌های مالی برای استفاده‌کنندگان است. نظارت بهتر بر گزارشگری مدیران، که با حضور نمایندگان زن در کمیته حسابرسی امکان‌پذیر می‌شود، می‌تواند به افزایش عملکرد و در نتیجه کاهش هزینه‌های نمایندگی و افزایش سلامتی مالی شرکت منجر شود.

طبق دستورالعمل کنترل‌های داخلی مصوب ۱۳۹۱، فعالیت کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران اجباری شده است. علاوه بر این، در سال‌های اخیر حضور زنان در کسب‌وکارهای ایرانی روندی روبه‌رشد داشته است. بدین ترتیب، با توجه به نوپابودن کمیته‌های حسابرسی در ایران و همچنین روند روبه‌رشد حضور اعضای زن در کسب‌وکارهای ایرانی، این پژوهش بر تأثیر زنان در کمیته حسابرسی بر کاهش هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران متمرکز شده است، که به‌طور درخور توجهی در تحقیقات پیشین نادیده گرفته شده است. به‌طور خاص، این اولین پژوهشی است که در بازارهای نوظهور همچون ایران در رابطه با تأثیر حضور زنان در کمیته حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی انجام می‌شود. یافته‌های پژوهش می‌تواند پیامدهای مهمی برای مقررات‌گذاران ایرانی، که در پی حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و افزایش عملکرد شرکت‌ها هستند، داشته باشد. علاوه بر این، نتایج می‌تواند موجب گسترش ادبیات مباحث تنوع جنسیتی شود و نگرش جدیدی در جهت عضویت زنان در هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی برای تدوین‌کنندگان مقررات در ایران ارائه کند.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

نظریه‌های پیرامون اثربخشی کمیته حسابرسی

اثربخشی کمیته حسابرسی به روش‌های مختلف و در زمینه‌های مختلفی تعریف شده است. مثلاً، کالبرز و فوگارتی (۱۹۹۳) آن را به‌عنوان «صلاحیتی که با آن کمیته حسابرسی مسئولیت‌های نظارتی مشخص‌شده‌اش را انجام می‌دهد» تعریف کردند. کمیته کادبری (۱۹۹۷) کمیته حسابرسی اثربخش را به‌منزله کمیته‌ای تعریف کرده که می‌تواند به توانایی هیئت‌مدیره و افزایش ارزش شرکت کمک کند. از چنین تعاریفی واضح است که یک کمیته حسابرسی اثربخش کمیته‌ای است که می‌تواند نقش‌ها و وظایفش را به صورت اثربخش انجام دهد و درنهایت به ارزش شرکت بیفزاید.

براساس تئوری نمایندگی، با جدایی مالکیت از مدیریت و تضاد منافع بین طرفین، هزینه‌های نمایندگی ایجاد می‌شود. جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) هزینه‌های نمایندگی را شامل هزینه‌های نظارت (کنترل) مدیر توسط مالک، هزینه‌های التزام و زیان باقی‌مانده می‌دانند. تئوری نمایندگی مشکل اخلاقی داخلی در روابط بین مدیر-نماینده را، که موجب ایجاد مشکلات نمایندگی می‌شود، مطرح می‌کند؛ مثلاً، نمایندگان می‌توانند فرایندها و روش‌های حسابداری را اتخاذ کنند که به نتایج حسابداری مطلوب منجر می‌شود و ثروت آن‌ها را تحت برنامه‌های انگیزشی جبرانی و پاداش افزایش می‌دهد. کمیته حسابرسی ابزاری برای کاهش این مشکلات است، زیرا کمیته‌های حسابرسی اثرگذار موجب افزایش کیفیت و اعتبار صورت‌های مالی سالانه می‌شود و به هیئت‌مدیره، که مسئول حفاظت و پیشبرد منافع سهامداران است، کمک می‌کند.

تئوری مباشرت بیان می‌کند که کمیته حسابرسی توانایی نظارت بر رفتار مدیریت را دارد و اطمینان می‌دهد که رفتار مدیریت با اهداف ذی‌نفعان همسوست. طبق این تئوری، اگر کمیته حسابرسی نتواند مباشر (مدیریت) را نظارت کند، منافع شخصی به منافع سازمان غلبه می‌کند. بنابراین، ممکن است گزارشگری مالی متقلبانه افزایش و عملکرد شرکت کاهش یابد. علاوه بر این، مطابق با تئوری اعتباربخشی، وظیفه کمیته حسابرسی اطمینان از سودمندی گزارشگری مالی است و کمیته‌های حسابرسی اثربخش می‌توانند کیفیت گزارش‌های مالی را تضمین کنند. به‌علاوه، طبق تئوری اعتمادسازی، داشتن کمیته‌های حسابرسی که بتوانند به‌طور مناسبی وظایفشان را انجام دهند، موجب اعتماد سهامداران و جامعه در ارتباط با اعتبار گزارش‌های مالی می‌شود. درنهایت، براساس تئوری قدرت، کمیته حسابرسی قدرت زیادی در تصمیم‌گیری دارد. به‌طور خاص، کمیته‌های حسابرسی از افراد متخصص تشکیل شده‌اند که در حوزه‌هایی مانند حسابداری، مالی و روابط شرکتی مهارت دارند. بنابراین، انتظار می‌رود که این اعضا به اثربخشی کمیته حسابرسی کمک کنند [۲۶؛ ۳۶].

نظریه‌های پیرامون تنوع جنسیتی

براساس تئوری جنسیت، زنان سهم درخور توجهی در موفقیت‌های اقتصادی دارند که شامل کارهای باارزشی است و به رفاه و آسایش انسان‌ها کمک می‌کند [۷]. به‌علاوه، تئوری جامعه‌پذیری جنسیت بیان می‌دارد که زنان و مردان در معرض توسعه‌های اخلاقی متفاوت ارزش‌های متفاوتی بروز می‌دهند. چنین ارزش‌هایی به نگرش‌ها و رفتارهای متفاوت در آن‌ها می‌انجامد [۲۵]. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور زنان نظارت هیئت‌مدیره را بهبود می‌بخشد؛ در نتیجه، نمایندگی زنان در هیئت‌مدیره به افزایش ارزش شرکت منجر می‌شود. نظریه‌پردازان نمایندگی استدلال می‌کنند که هیئت‌مدیره به انواع مهارت‌ها، اطلاعات و نظارت اجرای مؤثر نیاز دارد و در این زمینه زنان در نظارت هیئت‌مدیره اثری مثبت دارند [۱۵].

براساس تئوری نهادی، هیئت‌مدیره‌های با تنوع جنسیتی، مشورت‌های آگاهانه بیشتری را انجام می‌دهند و اغلب موضوعاتی را که در هیئت‌مدیره‌های متشکل از مردان بااهمیت شمرده می‌شود، در هیئت‌مدیره‌های با تنوع جنسیتی مورد توجه قرار می‌گیرد [۱۲]. علاوه بر این، تئوری وابستگی منابع پیشنهاد می‌دهد که هیئت‌های با تنوع جنسیتی نه تنها به دلایل اخلاقی، بلکه به دلیل حفظ رابطه خوب با محیط خارجی به منظور کسب منابع بسیار مفیدند. طبق این تئوری، شرکت با اعضای هیئت‌مدیره متنوع‌تر دسترسی بیشتری به منابع دارد که به کاهش وابستگی خارجی، کاهش عدم اطمینان و بهبود اعتبار کمک می‌کند و به افزایش عملکرد شرکت منجر می‌شود [۴۰]. افزون بر این، مطابق با تئوری سرمایه انسانی، مدیران زن و مرد هر دو به یک اندازه واجد شرایط برای مدیریت‌اند. این تئوری بیان می‌دارد که مدیران زن و مرد، به‌عنوان کارشناسان کسب‌وکار یا متخصص، در طبقه‌بندی هیئت‌مدیره برابرند. از آنجا که توانایی و مهارت مختلف افراد به عملکرد بهتر و بهره‌وری سازمان کمک می‌کند، انتخاب مدیران زن، به‌عنوان یک سرمایه انسانی، به افزایش عملکرد شرکت منجر می‌شود [۸].

شواهد تجربی مربوط به اثربخشی کمیته حسابرسی

مک مولن (۱۹۹۶) دریافت که شرکت‌های با کمیته حسابرسی به احتمال کمتری با اشتباهات، بی‌نظمی‌ها و گزارشگری مالی متقلبانه روبه‌رو هستند و مسئولیت ایجاد استراتژی‌های مناسب برای بهبود سلامت مالی شرکت برعهده کمیته حسابرسی است [۱۹]. کمیته حسابرسی می‌تواند مدیریت ارشد واحد اقتصادی را کنترل کند و به‌عنوان بازدارنده مدیریت از زیر پا گذاری کنترل‌های داخلی، همچون ممانعت از تقلب مدیریت، نقش مؤثری ایفا کند [۱]. یافته‌های پژوهش‌های پیشین نیز حاکی از آن است که اثربخشی کمیته حسابرسی با افزایش عملکرد شرکت رابطه‌ای معنادار دارد [۲؛ ۴۷]. لاکشان و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی به تأثیر

معیارهای حاکمیت شرکتی بر احتمال ورشکستگی پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که بین وجود کمیته حسابرسی و احتمال ورشکستگی رابطه منفی وجود دارد. به علاوه، یافته‌های محد و همکاران (۲۰۰۹) حاکی از آن است که اثربخشی کمیته حسابرسی به کاهش خطر ورشکستگی شرکت‌ها منجر می‌شود. یافته‌های پژوهش احمد و کاماردین (۲۰۱۵) و کای و همکاران (۲۰۱۵) حاکی از آن است که اثربخشی کمیته حسابرسی با کاهش هزینه‌های نمایندگی در ارتباط است. همچنین دی (۲۰۰۸) نشان داد که سطح و شدت مشکلات نمایندگی در شرکت‌های با کمیته حسابرسی کمتر است. اورادی و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند که ویژگی‌های کمیته حسابرسی از قبیل تخصص مالی و استقلال با افزایش عملکرد شرکت در ارتباط است. به طور خاص، مارتینف و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که ویژگی‌های کمیته حسابرسی مانند تخصص مالی، تجربه، استقلال، اندازه، تعداد جلسات و تنوع جنسیتی با اثربخشی کمیته حسابرسی مرتبط‌اند. تمرکز پژوهش حاضر بر نقش تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی و اثر آن بر هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی است.

شواهد تجربی مربوط به تنوع جنسیتی

براساس تحقیقات پیشین، زنان در مقایسه با مردان تمایل کمتری به رقابت دارند و مسئولیت‌پذیرترند [۴۱]. علاوه بر این، مدیران زن سبک‌های تصمیم‌گیری متفاوتی دارند و همچنین خطرپذیری کمتر و محافظه‌کاری بیشتری دارند [۴۶]. به علاوه، تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که نظارت هیئت‌مدیره با حضور زنان بهبود می‌یابد و زنان کمتر از مردان رفتارهای فرصت‌طلبانه را تحمل می‌کنند [۲۳؛ ۴۶]. به طور خاص، یافته‌های آدامز و فریرا (۲۰۰۹) حاکی از آن است که اعضای زن تفکرات مستقل‌تری دارند و این موضوع برای اثربخشی فرایند نظارت بسیار حیاتی است. آدامز و همکاران (۲۰۱۰) اعتقاد دارند که اعضای هیئت‌مدیره زن استقلال فکری و ذهنی بیشتری دارند که می‌تواند موجب بهبود فرایند نظارتی شود. آن‌ها نشان دادند که سرمایه‌گذاران مایل‌اند اعضای زن به هیئت‌مدیره شرکت‌ها اضافه شوند. ری (۲۰۰۵) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید که در یک هیئت‌مدیره با تنوع جنسیتی، احتمال این دو امر افزایش می‌یابد: الف) بررسی نقادانه دیدگاه‌های دیگران به دلیل مد نظر قرار دادن دیدگاه‌های مختلف و ب) توجه به مخالفت‌ها و حل اختلاف‌ها از طریق بحث و گفت‌وگو. به علاوه، او ادعا می‌کند که هیئت‌های مدیره با تنوع جنسیتی، ریسک‌پذیری کمتری دارد و مدیران حاضر در این هیئت‌ها نیز به احتمال کمتری مواضع شدید و متعصبانه می‌گیرند. در تحقیقات داخلی، سیاسی و عبدلی (۱۳۹۵) دریافتند که زنان در هیئت‌مدیره عملکرد مالی شرکت را افزایش و در نتیجه ارزش شرکت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. رضایی پینه‌تویی و محسنی (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که حضور زنان در هیئت‌مدیره با کاهش

ضعف‌های کنترل داخلی رابطه دارند. افزون بر این، یافته‌های ایمانی برندق و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی منجر می‌شود. کاظمی علوم و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی به افزایش کیفیت سود منجر می‌شود. به علاوه، عبدی و همکاران (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که حضور زنان در کمیته حسابرسی با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در ارتباط است. برزگر و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند که حضور زنان در کمیته حسابرسی تأثیری مثبت و معنادار بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها دارند.

در تحقیقات خارجی، پست و برایان (۲۰۱۵) با بررسی ۱۴۰ مطالعه بین سال ۱۹۹۷ و ۲۰۱۴ متوجه رابطه‌ای مثبت بین حضور زنان در هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت شدند. مطالعه ایتون و همکاران (۲۰۱۰) نیز حاکی از تأثیر مثبت تنوع جنسیتی بر نظام راهبری، عملکرد مالی و ارزش شرکت است. لای و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که زنان خواهان انجام دادن حسابرسی‌های باکیفیت بالاتری هستند. کیفیت بالای حسابرسی با کاهش هزینه‌های نمایندگی و افزایش عملکرد شرکت در ارتباط است [۳۷]. پارکر و همکاران (۲۰۱۷) نیز دریافتند که زنان حاضر در کمیته حسابرسی با دید انتقادی بیشتری به بررسی کنترل‌های داخلی و مشکلات موجود در کنترل‌های داخلی می‌پردازند. کنترل‌های داخلی اثربخش نیز با کاهش هزینه‌های نمایندگی و افزایش عملکرد شرکت رابطه دارند [۲۳]. افزون بر این، یافته‌های وحید و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که حضور زنان در هیئت‌مدیره به کاهش تقلب و در نتیجه تجدید ارائه‌های مالی منجر می‌شود. یسمان و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که زنان حاضر در هیئت‌مدیره با کاهش هزینه بدهی در ارتباط‌اند. اورادی و ایزدی (۲۰۱۹) دریافتند که زنان حاضر در کمیته حسابرسی به کاهش تجدید ارائه‌های مالی منجر می‌شود. آن‌ها همچنین به این نتیجه رسیدند که کمیته‌های با تنوع جنسیتی با افزایش احتمال استخدام حسابرسان با کیفیت در ارتباط‌اند. جیا (۲۰۱۹) نشان داد که حضور زنان در کمیته خطر در ماندگی را کاهش می‌دهد. شواهد تجربی دیگر حاکی از آن است که تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره با افزایش محافظه‌کاری [۲۸]، کاهش خطرپذیری [۴۸]، اثربخشی کنترل‌های داخلی [۷؛ ۲۳]، بهبود افشائیات [۱۶] و کاهش هزینه‌های نمایندگی [۱۸] رابطه دارند. از این رو، با توجه به ویژگی‌های رفتاری زنان، از جمله خطرگریزی و محافظه‌کاری و شواهد تجربی موجود، می‌توان انتظار داشت که زنان حاضر در کمیته حسابرسی به کاهش هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی و نتیجتاً بهبود عملکرد شرکت منجر شوند.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و شواهد تجربی، فرضیه‌های پژوهش بدین شرح است:

فرضیه اول: حضور زنان در کمیته حسابرسی به کاهش هزینه‌های نمایندگی منجر می‌شود.
فرضیه دوم: حضور زنان در کمیته حسابرسی به کاهش خطر ورشکستگی منجر می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر کاربردی و با توجه به ماهیت موضوع، توصیفی از نوع همبستگی و پس‌رویدادی است. در این نوع پژوهش‌ها، هدف بررسی رابطه بین متغیرهاست و داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته‌اند یا از وقایع گذشته و بدون دخالت پژوهشگر رخ داده‌اند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند.

جامعه آماری پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ است. برای تخمین مدل پژوهش، شرکت‌هایی که دارای شرایط ذیل بوده جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته، از نمونه آماری حذف شده‌اند. شرایط ذکرشده به شرح ذیل است:

۱. کمیته حسابرسی را طبق دستورالعمل کنترل داخلی بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۱) تشکیل داده باشند. ۲. قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. ۳. اطلاعات آن‌ها در دسترس باشد. ۴. جزء بانک‌ها، بیمه و سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد. ۵. طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.
- با در نظر گرفتن شرایط ذکرشده، ۱۵۳ شرکت جامعه آماری پژوهش را تشکیل داد. از آنجا که برخی از شرکت‌ها در برخی از سال‌ها کمیته حسابرسی را تشکیل نداده بودند، درنهایت ۶۶۲ مشاهده سال-شرکت تجزیه و تحلیل شد. برای فراهم کردن اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از منابع مختلف، از جمله سایت اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران (صورت‌های مالی و گزارش‌های کمیته حسابرسی) و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Stata12 استفاده شد.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از پژوهش‌های پیشین [مثلاً؛ ۳؛ ۱۱؛ ۱۳؛ ۴۵] از مدل‌های ذیل استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} \text{AGENCY COST}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \text{AC_GD}_{it} + \beta_2 \text{AC_EXP}_{it} + \beta_3 \text{AC_IND}_{it} + \\ & \beta_4 \text{AC_SIZE}_{it} + \beta_5 \text{B_SIZE}_{it} + \beta_6 \text{B_IND}_{it} + \beta_7 \text{CEODUAL}_{it} + \beta_8 \text{INSTOWN}_{it} + \\ & \beta_9 \text{OWNER}_{it} + \beta_{10} \text{AUDITTYPE}_{it} + \beta_{11} \text{AUDITCH}_{it} + \beta_{12} \text{FOREIGN}_{it} + \\ & \beta_{13} \text{LNAGE}_{it} + \beta_{14} \text{SIZE}_{it} + \beta_{15} \text{LEV}_{it} + \beta_{16} \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \begin{array}{l} \text{مدل ۱} \\ \text{فرضیه اول} \end{array}$$

$$\begin{aligned} \text{RISK}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \text{AC_GD}_{it} + \beta_2 \text{AC_EXP}_{it} + \beta_3 \text{AC_IND}_{it} + \beta_4 \text{AC_SIZE}_{it} + \\ & \beta_5 \text{B_SIZE}_{it} + \beta_6 \text{B_IND}_{it} + \beta_7 \text{CEODUAL}_{it} + \beta_8 \text{INSTOWN}_{it} + \beta_9 \text{OWNER}_{it} + \\ & \beta_{10} \text{AUDITTYPE}_{it} + \beta_{11} \text{AUDITCH}_{it} + \beta_{12} \text{FOREIGN}_{it} + \beta_{13} \text{LNAGE}_{it} + \beta_{14} \text{SIZE}_{it} + \\ & \beta_{15} \text{LEV}_{it} + \beta_{16} \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \begin{array}{l} \text{مدل ۲} \\ \text{فرضیه دوم} \end{array}$$

متغیرهای وابسته

۱. هزینه نمایندگی (Agency cost): در پژوهش حاضر، برای اندازه‌گیری هزینه نمایندگی از معیار نسبت کارآیی (گردش دارایی‌ها) استفاده می‌شود. این نسبت برای اولین بار به وسیله آنگ و همکاران (۲۰۰۰) برای اندازه‌گیری هزینه نمایندگی استفاده شد. نسبت گردش دارایی‌ها، که معیاری از کیفیت مدیریت دارایی‌های شرکت‌هاست، از تقسیم فروش سالانه به مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید. نسبت گردش دارایی‌ها چگونگی بهره‌وری و استفاده از دارایی‌های شرکت به وسیله مدیران برای ایجاد فروش بیشتر را اندازه‌گیری می‌کند. این نسبت به‌منزله معیاری معکوس برای هزینه‌های نمایندگی به کار می‌رود. به این معنا که هرچه این نسبت بالاتر باشد، هزینه‌های نمایندگی نیز پایین‌تر خواهد بود. بنابراین، در تجزیه و تحلیل آماری این متغیر در (۱-) ضریب می‌شود تا بتوان به‌آسانی نتایج را تفسیر کرد.

۲. خطر ورشکستگی (Risk): در این پژوهش برای محاسبه خطر ورشکستگی از مدل تعدیل‌شده آلمن (۱۹۶۸) استفاده می‌شود. شیوه محاسبه مدل تعدیل‌شده آلمن به شکل ذیل است:

$$Z = 3.3 (EBIT/TA) + 1 (Sales/TA) + 1.4 (Retained Earnings/TA) + 1.2 (Working Capital/TA)$$

EBIT: سود قبل از کسر بهره و مالیات شرکت؛ Sales: فروش؛ Retained Earnings: سود و زیان انباشته در پایان سال مالی؛ Working Capital: سرمایه در گردش؛ TA: ارزش دفتری مجموع دارایی‌های شرکت.

در این رابطه، مقدار Z بزرگ‌تر، بیانگر خطر ورشکستگی کمتر شرکت است. بنابراین، در تجزیه و تحلیل آماری این متغیر هم نیز همانند نسبت گردش دارایی‌ها در (۱-) ضریب می‌شود تا بتوان به معیار خطر ورشکستگی رسید و به‌آسانی نتایج را تفسیر کرد. (شایان ذکر است که دلیل استفاده نکردن از ماده ۱۴۱ قانون تجارت این است که نمی‌توان شرکت‌های مشمول این ماده از قانون تجارت را از نظر حقوقی، مالی یا اقتصادی ورشکسته دانست.)

متغیر مستقل

AC-GD_{it} (حضور زن در کمیته حسابرسی): برابر است با یک، اگر حداقل یک زن در کمیته حسابرسی حضور داشته باشد؛ در غیر این صورت، مقدار آن صفر خواهد بود.

متغیرهای کنترلی

تحقیقات پیشین نشان دادند که ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی و درماندگی مالی و به‌طور خاص عملکرد شرکت اثرگذار است [۲؛ ۲۱]. ویژگی‌های کمیته حسابرسی کنترل‌شده در این پژوهش شامل تخصص مالی استقلال و اندازه کمیته حسابرسی می‌شود:

AC-EXP_{it} (تخصص مالی کمیته حسابرسی): درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی.
 AC-IND_{it} (استقلال کمیته حسابرسی): درصد اعضای مستقل در کمیته حسابرسی.
 AC-SIZE_{it} (اندازه کمیته حسابرسی): تعداد اعضای حاضر در کمیته حسابرسی.
 همچنین، مطالعات قبلی نشان دادند که ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر هزینه‌های نمایندگی و درماندگی مالی اثرگذار است [۱۱؛ ۱۳؛ ۴۵]. در این پژوهش، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی شامل اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل کنترل می‌شود:
 B-SIZE_{it} (اندازه هیئت‌مدیره): تعداد اعضای حاضر در هیئت‌مدیره؛
 B-IND_{it} (استقلال هیئت‌مدیره): درصد اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره؛
 CEO DUAL_{it} (دومستولیتی بودن مدیرعامل): برابر است با یک، اگر مدیرعامل هم‌زمان رئیس یا نایب‌رئیس هیئت‌مدیره باشد؛ در غیر این صورت، مقدار آن صفر خواهد بود.
 افزون بر این، چوانگ و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که ساختار مالکیت بر هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها تأثیرگذار است. به علاوه، مشکی میاوقی و سعادت (۱۳۹۴) دریافتند که با افزایش تمرکز مالکیت درماندگی مالی شرکت‌ها کاهش می‌یابد. از این‌رو، متغیرهای مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت در مدل پژوهش به شرح ذیل کنترل شد:
 INSTITUTE_{it} (مالکیت نهادی): درصد سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت. سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری هستند.
 OWNER_{it} (تمرکز مالکیت): برابر است با درصد سرمایه‌گذاران عمده شرکت (بیش از ۵ درصد).
 ویژگی‌های حسابرس ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. حسابرسی نوعی نظارت در شرکت‌ها برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش ارزش شرکت‌ها و کاهش هزینه‌های نمایندگی به شمار می‌رود. بنابراین، ویژگی‌های حسابرس شامل نوع حسابرس و تغییر حسابرس در مدل پژوهش کنترل شده است:
 AUDITTYPE_{it} (نوع حسابرس): مقدار یک را می‌گیرد اگر حسابرسی شرکت را سازمان حسابرسی به‌عنوان مؤسسه دولتی برعهده داشته باشد؛ در غیر این صورت، مقدار آن صفر خواهد بود.
 AUDITCH_{it} (تغییر حسابرس): مقدار یک را می‌گیرد اگر حسابرس نسبت به سال قبل تغییر کرده باشد؛ در غیر این صورت، مقدار آن صفر خواهد بود.
 ویژگی‌های شرکت می‌تواند عملکرد آن را تحت تأثیر قرار دهد [۴۵]. در این پژوهش، از متغیرهای ذیل برای کنترل برخی ویژگی‌های شرکت استفاده شده است:
 FOREIGN_{it} (فروش خارجی): برابر است با یک اگر شرکت فروش خارجی (صادراتی) داشته باشد؛ در غیر این صورت، مقدار آن صفر خواهد بود. اشلیمن و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که فروش خارجی تأثیری مثبت بر عملکرد شرکت دارد.
 L NAGE_{it} (سن شرکت): لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که از تأسیس شرکت می‌گذرد.
 رشید (۲۰۱۵) نشان داد که سن شرکت تأثیری مثبت بر هزینه‌های نمایندگی دارد. علاوه بر این، طبق تئوری چرخه عمر، شاخص‌های خطر و عملکرد طی عمر شرکت متفاوت است.

$SIZE_{it}$ (اندازه شرکت): لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت. شرکت‌های بزرگ‌تر با توجه به پیچیده‌بودن آن‌ها و مشکلات بیشتری که مالکان آن‌ها در به‌دست‌آوردن اطلاعات شرکت دارند، هزینه نمایندگی بالایی دارند [۲۶]. علاوه بر این، مشکی میاوقی و سعادت (۱۳۹۴) نشان دادند که بین اندازه شرکت و درماندگی مالی رابطه منفی و معناداری برقرار است.

LEV_{it} (اهرم مالی): جمع بدهی‌ها تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت. نسبت بدهی شرکت می‌تواند بر مشکلات نمایندگی اثر بگذارد [۲۱]. به علاوه، عباسی و خطیبی‌فر (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که اهرم مالی رابطه‌ای مثبت و معنادار با درماندگی مالی دارد.

ROA_{it} (بازده دارایی‌ها): سود قبل کسر مالیات تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت. سودآوری شرکت می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را تحت تأثیر قرار دهد [۴۵]. افزون بر این، اسلامی بیدگل و همکاران (۱۳۹۰) دریافتند که شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها) با درماندگی مالی رابطه‌ای منفی و معنادار دارد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
هزینه نمایندگی	۰٫۹۴۸	۰٫۷۸	۰٫۶۴	۳٫۰۸۷	۰٫۰۳
خطر ورشکستگی	۱٫۹۳۸	۱٫۹۱	۱٫۳۲۳	۶٫۹۳	-۲٫۸۱
حضور زن در کمیته حسابرسی	۰٫۱۱۶	۰	۰٫۳۲۰	۱	۰
تخصص مالی کمیته حسابرسی	۰٫۸۴۵	۱	۰٫۱۹۴	۱	۰
استقلال کمیته حسابرسی	۰٫۷۰۷	۰٫۶۷	۰٫۱۹۵	۱	۰
اندازه کمیته حسابرسی	۳٫۰۵۴	۳	۰٫۳۸۵	۵	۳
اندازه هیئت‌مدیره	۵٫۱۰۲	۵	۰٫۴۲۴	۷	۵
استقلال هیئت‌مدیره	۰٫۶۵۴	۰٫۶۰	۰٫۱۷۱	۱	۰٫۲۰
دومستولیتی بودن مدیرعامل	۰٫۲۵۶	۰	۰٫۴۳۷	۱	۰
مالکیت نهادی	۰٫۳۶۸	۰٫۲۹	۰٫۳۰۹	۰٫۹۸	۰
تمرکز مالکیت	۰٫۷۶۱	۰٫۸۰	۰٫۱۶۷	۱	۰٫۱۱
نوع حسابرس	۰٫۲۳۲	۰	۰٫۴۲۲	۱	۰
تغییر حسابرس	۰٫۲۴۳	۰	۰٫۴۲۹	۱	۰
فروش خارجی	۰٫۷۱۱	۱	۰٫۴۵۳	۱	۰
لگاریتم طبیعی سن شرکت	۳٫۶۱۷	۳٫۷۱	۰٫۳۷۴	۴٫۱۶	۲٫۴۸
اندازه شرکت	۱۴٫۳۷۲	۱۴٫۱۵	۱٫۳۴۸	۱۹٫۱۵	۱۱٫۰۶
اهرم مالی	۰٫۵۸۶	۰٫۵۹	۰٫۲۵۶	۱٫۲۱	۰٫۱۱
بازده دارایی‌ها	۰٫۱۰۹	۰٫۱۰	۰٫۱۳۷	۰٫۵۱	-۰٫۷۶

آمار توصیفی متغیرهای به کار برده شده در این پژوهش در جدول ۱ مشاهده می شود. با توجه به نتایج جدول ۱، میانگین هزینه نمایندگی (محاسبه شده با نسبت گردش دارایی ها) ۰/۹۴۸ و خطر ورشکستگی ۱/۹۳۸ است. میانگین حضور حداقل یک زن در کمیته های حسابرسی ۰/۱۱۶ است. علاوه بر این، درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی ۰/۸۴۵ است و تقریباً ۷۰ درصد از اعضای کمیته حسابرسی در شرکت های نمونه مستقل است و اندازه کمیته حسابرسی به طور میانگین ۳/۰۵۴ است. این نتایج حاکی از آن است که درصد تخصص مالی و استقلال کمیته طبق منشور کمیته حسابرسی رعایت شده و اکثریت کمیته های حسابرسی نیز از ۳ نفر تشکیل شده اند. در ادامه، یافته های جدول ۱ نشان می دهد که میانگین اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره به ترتیب ۵/۱۰۲ و ۰/۶۵۴ است. تقریباً ۲۶ درصد از مدیران عامل در شرکت های نمونه دوماستولیتی هستند و درصد مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نیز به ترتیب ۰/۳۶۸ و ۰/۷۶۱ است. علاوه بر این، میانگین نوع حسابرس (دولتی در مقابل خصوصی) ۰/۲۳۲ و تغییر حسابرس ۰/۲۴۳ است. میانگین فروش خارجی در شرکت های نمونه ۰/۷۱۱ است و لگاریتم طبیعی سن شرکت از میانگین ۳/۶۱۷ برخوردار است. در نهایت، یافته ها نشان می دهد میانگین اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی ها به ترتیب ۱۴/۳۷۲، ۰/۵۸۶ و ۰/۱۰۹ است.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر وابسته: هزینه نمایندگی				
متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره	مقدار احتمال
مقدار ثابت	۲/۵۷۵	۰/۲۷۷	۹/۲۷	۰/۰۰۰
حضور زن در کمیته حسابرسی	-۰/۰۶۱	۰/۰۲۹	-۲/۰۹	۰/۰۳۷
تخصص مالی کمیته حسابرسی	-۰/۱۰۲	۰/۰۵۶	-۱/۸۰	۰/۰۷۲
استقلال کمیته حسابرسی	-۰/۱۰۲	۰/۰۵۲	-۱/۹۴	۰/۰۵۲
اندازه کمیته حسابرسی	-۰/۰۰۴	۰/۰۲۵	-۰/۱۹	۰/۸۴۶
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۰۱	۰/۰۲۱	-۰/۰۷	۰/۹۴۶
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۳۹	۰/۰۶۳	-۰/۶۲	۰/۵۳۵
دوماستولیتی بودن مدیرعامل	۰/۰۱۵	۰/۰۲۲	۰/۶۷	۰/۵۰۰
مالکیت نهادی	-۰/۱۸۴	۰/۰۴۵	-۴/۰۴	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	-۰/۰۸۴	۰/۰۷۱	-۱/۱۸	۰/۲۳۸
نوع حسابرس	۰/۰۱۴	۰/۰۲۹	۰/۵۰	۰/۶۱۴
تغییر حسابرس	۰/۰۰۳	۰/۰۱۲	۰/۳۱	۰/۷۵۶
فروش خارجی	-۰/۰۳۴	۰/۰۲۶	-۱/۲۹	۰/۱۹۷
لگاریتم طبیعی سن شرکت	-۰/۰۳۱	۰/۰۴۵	-۰/۶۸	۰/۴۹۶

متغیر وابسته: هزینه نمایندگی				
متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره	مقدار احتمال
اندازه شرکت	-۰٫۱۱۴	۰٫۰۱۳	-۸٫۸۲	۰٫۰۰۰
اهرم مالی	۰٫۳۸۸	۰٫۰۵۸	۶٫۶۶	۰٫۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۱٫۰۳۹	۰٫۰۹۷	۱۰٫۷۰	۰٫۰۰۰
آماره والد (سطح معناداری)			۲۴۸٫۴۲ (۰٫۰۰۰)	
آماره F لیمر (سطح معناداری)			۱۸٫۹۳ (۰٫۰۰۰)	
آماره هاسمن (سطح معناداری)			۴۳٫۷۱ (۰٫۰۰۰)	
آماره والد تعدیل شده (سطح معناداری)			۱٫۲۵+۲۷ (۰٫۰۰۰)	
آماره وولدریج (سطح معناداری)			۳٫۰۲۸ (۰٫۰۸۴)	
مشاهدات			۶۶۲	

در این پژوهش، برای آنکه بتوان مشخص کرد که استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل موردنظر کارآمد خواهد بود یا خیر، از آزمون F لیمر و در صورت استفاده از روش داده‌های پانل، به‌منظور اینکه مشخص شود کدام روش (تأثیرات ثابت یا تأثیرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. به دلیل اینکه روش داده‌های تابلویی ترکیبی از داده‌های سری زمانی و داده‌های مقطعی است، مشکلات مربوط به وجود خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در مدل پیش می‌آید. بنابراین، برای بررسی شرط عدم ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده و برای بررسی شرط عدم خودهمبستگی سریالی از آزمون وولدریج استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۲ ارائه شده است. با توجه به نتایج جدول ۲، مشاهده می‌شود که احتمال آماره F لیمر کمتر از ۵ درصد است. بنابراین، مدل رگرسیونی با روش پانلی برازش می‌شود. نتیجه آزمون هاسمن نیز حاکی از آن است که فرضیه صفر این آزمون رد شده و روش برآورد پارامترهای مدل روش پانلی با تأثیرات ثابت است. با توجه به اینکه مقدار احتمال آزمون والد تعدیل شده کمتر از ۵ درصد است، فرضیه صفر این آزمون مبنی بر فقدان ناهمسانی واریانس بین اجزای اخلاص مدل رد می‌شود و در نتیجه جملات خطای مدل از مشکل ناهمسانی واریانس رنج می‌برند. همچنین، نتیجه آزمون وولدریج نشان می‌دهد که خودهمبستگی سریالی در بین جملات خطای مدل وجود ندارد. بنابراین، برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و جهت تخمین مناسب‌تر پارامترهای مدل از رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته در برازش نهایی مدل اول پژوهش استفاده می‌شود. در جدول ۲، نتایج حاصل از برازش نهایی مدل اول پژوهش آمده است.

سطح معناداری آماره والد در سطح خطای ۱ درصد نشان می‌دهد که مدل اول پژوهش معنادار بوده و به‌طور مناسب برازش شده است. در ادامه، یافته‌های جدول ۲ حاکی از رابطه منفی و معنادار بین حضور زن در کمیته حسابرسی و هزینه نمایندگی است. بنابراین، فرضیه

اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود. این نتیجه نقش اعضای زن در کمیته حسابرسی را به‌منزله یک ویژگی مهم در اثربخشی کمیته حسابرسی تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که اعضای زن در کمیته حسابرسی با کاهش هزینه نمایندگی در ارتباطاند. در ارتباط با متغیرهای کنترلی، نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی، مالکیت نهادی و اندازه شرکت با هزینه نمایندگی رابطه منفی و معنادار و بین اهرم مالی و بازده دارایی‌ها با هزینه نمایندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. درعین حال، رابطه معناداری بین دیگر متغیرهای کنترلی و هزینه نمایندگی مشاهده نمی‌شود.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۳، مشاهده می‌شود که احتمال آماره F لیمر کمتر از ۵ درصد است. بنابراین، همانند مدل اول پژوهش، مدل رگرسیونی دوم نیز با روش پانلی برازش می‌شود. نتیجه آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که فرضیه صفر این آزمون رد شده و روش برآورد پارامترهای مدل روش پانلی با تأثیرات ثابت است. افزون بر این، مقدار احتمال آزمون والد تعدیل شده کمتر از ۵ درصد است. بنابراین، می‌توان اذعان کرد که فرضیه صفر این آزمون مبنی بر فقدان ناهمسانی واریانس بین جملات خطای مدل رد شده و جملات خطای مدل از مشکل ناهمسانی واریانس رنج می‌برند. همچنین، نتیجه آزمون وولدریج حاکی از آن است که جملات خطا خودهمبستگی سریالی دارند. بنابراین، برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی و جهت تخمین مناسب‌تر پارامترهای مدل از رویکرد حداقل مربعات تعمیم یافته در برازش نهایی مدل دوم پژوهش استفاده می‌شود. در جدول ۳، نتایج حاصل از برازش نهایی مدل دوم پژوهش آمده است. سطح معناداری آماره والد در سطح خطای ۱ درصد، بیانگر آن است که مدل دوم پژوهش معنادار بوده و به‌طور مناسب برازش شده است. در ادامه، نتایج جدول ۳ حاکی از رابطه منفی و معنادار بین حضور زن در کمیته حسابرسی و خطر ورشکستگی است. از این رو، فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای ۱ درصد پذیرفته می‌شود. این نتیجه حاکی از آن است که اعضای زن در کمیته حسابرسی با کاهش خطر ورشکستگی در ارتباطاند و باعث افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی می‌شوند. در ارتباط با متغیرهای کنترلی، نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین استقلال کمیته حسابرسی، استقلال هیئت‌مدیره، سن شرکت و بازده دارایی‌ها با خطر ورشکستگی رابطه‌ای منفی و معنادار و بین دومیثولیتی بودن مدیرعامل، نوع حسابرسی و اهرم مالی با خطر ورشکستگی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. درعین حال، رابطه بین دیگر متغیرهای کنترلی و خطر ورشکستگی معنادار نیست.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر وابسته: خطر ورشکستگی				
مقدار احتمال	آماره	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر
۰,۰۰۰	۶,۶۳	۰,۴۰۹	-۲,۷۱۶	مقدار ثابت
۰,۰۰۰	-۵,۹۶	۰,۰۵۹	-۰,۳۵۶	حضور زن در کمیته حسابرسی
۰,۲۸۴	۱,۰۷	۰,۰۸۳	۰,۰۸۹	تخصیص مالی کمیته حسابرسی
۰,۰۰۰	-۶,۶۴	۰,۰۷۲	-۰,۴۷۸	استقلال کمیته حسابرسی
۰,۱۸۲	۱,۳۳	۰,۰۵۸	۰,۰۷۷	اندازه کمیته حسابرسی
۰,۵۳۴	۰,۶۲	۰,۰۵۳	۰,۰۳۴	اندازه هیئت مدیره
۰,۰۱۰	-۲,۵۶	۰,۱۰۳	-۰,۲۶۴	استقلال هیئت مدیره
۰,۰۰۰	۳,۲۲	۰,۰۳۵	۰,۱۱۵	دومسئولیتی بودن مدیرعامل
۰,۶۲۷	۰,۴۹	۰,۵۳۲	۰,۰۲۵	مالکیت نهادی
۰,۷۸۲	۰,۲۸	۰,۰۹۸	۰,۰۲۷	تمرکز مالکیت
۰,۰۰۰	۳,۶۰	۰,۰۳۸	۰,۱۳۷	نوع حسابرس
۰,۹۲۳	-۰,۱۰	۰,۰۳۸	-۰,۰۰۳	تغییر حسابرس
۰,۹۳۸	-۰,۰۸	۰,۰۳۹	-۰,۰۰۳	فروش خارجی
۰,۰۹۷	-۱,۶۶	۰,۰۴۵	-۰,۰۷۶	لگاریتم طبیعی سن شرکت
۰,۵۳۶	۰,۶۲	۰,۰۱۶	۰,۰۰۹	اندازه شرکت
۰,۰۰۰	۵,۷۰	۰,۱۲۱	۰,۶۹۳	اهرم مالی
۰,۰۰۰	-۱۲,۳۸	۰,۱۷۶	-۲,۰۶۹	بازده دارایی‌ها
	۲۴۳۶,۷۰ (۰,۰۰۰)			آماره والد (سطح معناداری)
	۸,۸۳ (۰,۰۰۰)			آماره F لیمر (سطح معناداری)
	۳۲,۴۳ (۰,۰۰۰)			آماره هاسمن (سطح معناداری)
	۳۱ + ۷,۳۴ (۰,۰۰۰)			آماره والد تعدیل شده (سطح معناداری)
	۴,۱۷۶ (۰,۰۴۳)			آماره وولدریج (سطح معناداری)
	۶۶۲			مشاهدات

نتیجه گیری و پیشنهادها

همان‌طور که در تئوری جامعه‌پذیری جنسیت اشاره شده است، زنان و مردان در معرض توسعه‌های اخلاقی متفاوت، ارزش‌های متفاوتی بروز می‌دهند. تنوع جنسیتی بیانگر تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی مردان و زنان است و عمل افراد بازتابی از مسیر فکر و احساس درونی آن‌هاست. شواهد پیشین نشان می‌دهد زنان خطرگریز و محافظه‌کارترند و به‌طور مؤثرتری بر نظارت مدیریت شرکت می‌پردازند. بنابراین، این پژوهش با طرح این ادعا که حضور زنان در ترکیب کمیته حسابرسی اثربخشی آن را افزایش می‌دهد و می‌تواند احتمال وجود هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی شرکت‌ها را کاهش دهد، به بررسی تجربی این

موضوع پرداخت. نتایج پژوهش بیانگر کاهش هزینه‌های نمایندگی و احتمال خطر ورشکستگی در شرکت‌های دارای اعضای زن در کمیته حسابرسی بود. به بیان دیگر، شرکت‌هایی که در ترکیب کمیته حسابرسی خود از زنان استفاده می‌کنند، نسبت به سایر شرکت‌ها، هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی کمتری را تجربه می‌کنند. این نتیجه موافق با پژوهش‌های پیشین است که نشان دادند حضور زنان در کمیته حسابرسی با افزایش کیفیت سود (کازمی علوم و همکاران، ۱۳۹۸؛ تتیرووادی و هوآنگ، ۲۰۱۱) و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸) در ارتباط است. علاوه بر این، این نتیجه موافق با تحقیقاتی است که نشان دادند حضور زنان در هیئت‌مدیره با افزایش عملکرد شرکت (سپاسی و عبدلی، ۱۳۹۵؛ پست و رابا، ۲۰۱۵) کاهش خطرپذیری (تتیرووادی و هوآنگ، ۲۰۱۱)، کاهش هزینه بدهی (یسمان و همکاران، ۲۰۱۹) و کاهش هزینه‌های نمایندگی (آلوردو و همکاران، ۲۰۱۷) در ارتباط است.

پیشنهاد‌های کاربردی

به‌طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ملزم شدن شرکت‌ها به تشکیل کمیته حسابرسی در ایران و به تبع آن حضور اعضای زن در این کمیته به افزایش عملکرد شرکت منجر می‌شود. در نتیجه، به‌کارگیری اعضای زن در هیئت‌مدیره‌ها و زیرگروه‌های آن، مثل کمیته حسابرسی، می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد بهتر شرکت را افزایش دهد. همچنین، با توجه به نتایج پژوهش، تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی موجب بهبود حاکمیت شرکتی می‌شود و می‌توان انتظار داشت که سهامداران در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و زیرگروه‌های آن به این مهم توجه کنند. به‌طور خاص، نتایج می‌تواند ناظران و سیاست‌گذاران ایرانی را به توصیه یا الزامی نمودن تنوع جنسیتی در ترکیب کمیته حسابرسی ترغیب کند. به بیان دیگر، شواهد پژوهش می‌تواند به وسیله نهادهای تنظیم‌کننده قوانین مربوط به «ترکیب اعضای کمیته حسابرسی» به کار رود و حداقل‌های لازم الزامی شود. شواهد این پژوهش همچنین می‌تواند به گسترش ادبیات مرتبط با تنوع جنسیتی، هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی منجر شود و توسط نهادهای قانون‌گذار مربوط به ترکیب کمیته حسابرسی به کار رود.

پیشنهاد برای تحقیقات آینده

به محققان آتی پیشنهاد می‌شود تأثیر ویژگی‌های اعضای زن در کمیته‌های حسابرسی (از قبیل استقلال، تخصص مالی، دوره تصدی، تحصیلات و...) بر هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی را بررسی کنند. همچنین، تحقیقات آتی می‌توانند از دیگر معیارهای سنجش هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی استفاده کنند. به‌علاوه، پیشنهاد می‌شود تأثیر جنسیت حسابرسان بر هزینه‌های نمایندگی و خطر ورشکستگی بررسی شود.

محدودیت‌های پژوهش

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش، عدم افشای مناسب اطلاعات کمیته حسابرسی از سوی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران است. شرکت‌ها از سال ۱۳۹۱ ملزم به تشکیل کمیته حسابرسی شده‌اند، اما هنوز تعداد زیادی از آن‌ها این قانون را رعایت نکرده یا اطلاعات کمیته حسابرسی خود را در سایت کدال به‌درستی افشا نمی‌کنند. از این‌رو، به ناظران بازار پیشنهاد می‌شود این موضوع را پیگیری کنند و اقدامات لازم را انجام دهند.

منابع

- [۱] ارباب سلیمانی، عباس؛ نفری، محمود (۱۳۷۸). *اصول حسابرسی*، تهران: سازمان حسابرسی.
- [۲] اورادی، جواد؛ لاری دشت‌بیاض، محمود؛ سالاری فورگ، زینب (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت»، *دانش حسابداری مالی*، ش ۴، ص ۱۱۱-۱۳۱.
- [۳] اسلامی بیدگل، غلامرضا، نیکومرام، هاشم و همکاران (۱۳۹۰). «محافظة کاری حسابداری و بحران مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، *دانش مالی و تحلیل اوراق بهادار*، دوره ۴، ش ۹، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- [۴] ایمانی برندقی، محمد؛ عبدی، مصطفی؛ کاظمی علوم، مهدی (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی بر حق‌الزحمة حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ش ۳، ص ۳۰۳-۳۲۲.
- [۵] باباجانی، جعفر؛ بابایی، مسعود (۱۳۹۰). «تأثیر استقرار واحد حسابرسی داخلی و تشکیل کمیته حسابرسی در ارتقای مسئولیت پاسخگویی مالی دانشگاه‌ها مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی»، *دانش حسابداری*، ش ۴، ص ۷-۲۷.
- [۶] برزگر، قدرت‌الله؛ حسن نتاج کردی، محسن؛ ملکی، دنیا (۱۳۹۸). «بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ش اول، ص ۱۹-۳۸.
- [۷] رضائی پیتنه‌نوئی، یاسر؛ محسنی، خدیجه (۱۳۹۷). «بررسی ارتباط بین حضور زنان در هیئت‌مدیره و ضعف کنترل داخلی، شواهدی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۳، ص ۴۳۹-۴۵۶.
- [۸] سپاسی، سحر؛ عبدلی، لیلا (۱۳۹۵). «تأثیرات حضور زنان در هیئت‌مدیره بر ارزش شرکت و عملکرد مالی»، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ش ۲۹، ص ۳۹-۵۸.
- [۹] صالحی، مهدی؛ اورادی، جواد؛ سالاری فورگ، زینب (۱۳۹۵). «تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی»، *دانش حسابداری*، ش ۲۶، ص ۵۹-۸۳.

- [۱۰] عبدی، مصطفی؛ ثنایی محمدی، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۸). «اثربخشی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی: دیدگاه نظریه نمایندگی». *دانش حسابرسی*، ش، ۷۴، ص ۲۰۹-۲۳۶.
- [۱۱] عباسی، ابراهیم؛ خطیبی‌فر، فرزانه (۱۳۹۵). ارتباط بین ساختار حاکمیت شرکتی و درماندگی مالی، اولین همایش پژوهش‌های کاربردی در مدیریت صنعتی.
- [۱۲] کاظمی علوم، مهدی؛ ایمانی برندق، محمد؛ عبدی، مصطفی (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر تنوع جنسیتی در هیئت مدیره و کمیته حسابرسی بر کیفیت سود». *دانش حسابداری*، ش ۱، ص ۱۳۷-۱۶۸.
- [۱۳] مشکئی میاوقی، مهدی؛ هاشمی سعادت، مریم (۱۳۹۴). «بررسی رابطه حاکمیت شرکتی با احتمال ورشکستگی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». *پژوهش حسابداری*، ش ۱۷، ص ۳۷-۵۷.
- [14] Abbott, L. J., Parker, S. & Presley, T. J. (2012). "Female board presence and the likelihood of financial restatement", *Accounting Horizons*, 26 (4), PP 607-629.
- [15] Adams, R. B. & Ferreira, D. (2009). "Women in the boardroom and their impact on governance and performance", *Journal of Financial Economics*, 94 (2), PP 291-309.
- [16] Ahmed, A., Monem, R., Delaney, D., and Ng, C. (2017). "Gender diversity in corporate boards and continuous disclosure: Evidence from Australia", *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13 (2), PP 89-107.
- [17] Ahmed, H, Kamardin, H,. (2015). *Internal and External Audit Attributes*, Audit Committee Characteristics, Ownership Concentration and Earnings Quality: Evidence from Malaysia, *Mediterranean Journal of Social Sciences*, Doi:10.5901/mjss.2015.v6n3p458.
- [18] Alvarado, N., de Fuentes, P. and Laffarga, J. (2017). "Does board gender diversity influence financial performance?", *Evidence from Spain, Journal of Business Ethics*, 141 (2), PP 337-350.
- [19] Bansal. N, A, K.Sharma. (2016). *Audit committee, corporate governance and firm performance*. *International Journal of Economics and Finance*; Vol. 8, No. 3.
- [20] Cadbury, A. (1992). *Report on the Committee on the Financial Aspects of Corporate Governance*, Gee, London.
- [21] Cai, C, X., David, H., Gaoliang, T., Qinghua, W,. (2015). *Do audit committees reduce the agency costs of ownership structure?*, *Pacific-Basin Finance Journal*, doi.org/10.1016/j.pacfin.2015.01.002.
- [22] Carter, D. A., Souza, F. D., Simkins, B.J. & Simpson, W.G. (2010). "The gender and ethnic diversity of US boards and board committees and firm financial performance", *Corporate Governance: An International Review*, 18 (5), PP 396-414.

- [23] Chen, Y., Eshleman, J. D. and Soileau, J. S. (2016). "Board Gender Diversity and Internal Control Weaknesses", *Advances in Accounting*, 33, PP 11-19.
- [24] Chuang, L.; Xiuhong, L.; and L. Zhang (2010). Earnings Quality and the Agency Costs of Controlling Shareholder International Conference on E-Business and E-Government, PP 5132-5135.
- [25] Dawson, L. (1997), "Ethical Difference between men and women in sales profession", *Journal of Business Ethics*, Vol. 16 No. 1, PP 1143-1152.
- [26] Dey, A. (2008). "Corporate governance and agency conflicts", *Journal of Accounting Research*, 46(5): PP 1143-1181.
- [27] Eshleman, J. D., & Lawson B. (2017). "Audit market structure and audit pricing", *Accounting Horizons*, 31 (1), PP 57-81.
- [28] Francis, B., Hasan, I., Park, J. C. and Wu, Q. (2015). "Gender Differences in Financial Reporting Decision Making: Evidence from Accounting Conservatism", *Contemporary Accounting Research*, 32 (3), PP 1285-1318.
- [29] Gul, F. A., Srinidhi, B. & Ng, A. C. (2011). "Does gender diversity improve the informativeness of stock prices", *Journal of Accounting and Economics*, 51, (3). PP 314-38.
- [30] Ittonen, K., Miettinen, J. & Vahamaa, S. (2010). "Does female representation on audit committees affect audit fees", *Quarterly Journal of Finance and Accounting*, 49 (3/4), PP 113-139.
- [31] Jensen, M., & Meckling, W. (1976). "Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure", *Journal of financial economics*, 3: PP 305-360.
- [32] Jia, J. (2019). Does risk management committee gender diversity matter? – A financial distress perspective, *Managerial Auditing Journal*, In Press.
- [33] Kalbers, L., & Fogarty, T. (1993). "Audit committee effectiveness: An empirical investigation of the contribution of power", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 12 (1), PP 24-49.
- [34] Lai, K. M. Y., Srinidhi, B., Gul, F. A., and Tsui, J. S. L. (2017). "Board gender diversity, auditor fees, and auditor choice", *Contemporary Accounting Research*, 34 (3), PP 1681-1714.
- [35] Lakshan, A. M, I. W. M. H. N. Wijekoon. (2012). "Corporate governance and corporate failure", *Procedia Economics and Finance*, 2 (1): PP 191-198.
- [36] Lin, J. W., and Hwang, M. I. (2010). "Audit quality, corporate governance, and earnings management: a meta-analysis", *International Journal of Auditing*, 14 (1), PP 57-77.
- [37] Lopez, D. M., Rich, K. T., and Smith, P. (2013). "Auditor size and internal control reporting differences in nonprofit healthcare organizations", *Journal of Public Budgeting, Accounting and Financial Management*, 25 (1), PP 41-68.

- [38] Martinov, N.B., Dominic S.B. and Soh, D.T. (2015). "An investigation into the roles, characteristics, expectations and evaluation practices of audit committees", *Managerial Auditing Journal*, Vol (30) Iss 8/9, PP 727-755.
- [39] McMullen, D. A., and Raghunandan, K. (1996). "Enhancing audit committee effectiveness", *Journal of Accountancy*, 182 (2), PP 79-81.
- [40] Nadeem, M., De Silva, T., Gan, C., and Zaman, R. (2017). "Boardroom gender diversity and intellectual capital efficiency", *Evidence From China, Pacific Accounting Review*, 29 (4), PP 590-615.
- [41] Niederle, M., and Vesterlund, L. (2007). "Do women shy away from competition? Do men compete too much?", *The Quarterly Journal of Economics*, 122 (3), PP 1067-1101.
- [42] Post, C., and Byron, K. (2015). "Women on boards and firm financial performance", *A Meta-Analysis, Academy of Management Journal*, 58 (5), PP 1546-1571.
- [43] Oradi, J., and Izadi, Z, D, J. (2019). Audit committee gender diversity and financial reporting: evidence from restatements, *Managerial Auditing Journal*, In Press.
- [44] Ray, D. M. (2005). "Corporate boards and corporate democracy", *Journal of Corporate Citizenship*, 20, PP 93-105.
- [45] Rashid, A. (2015). "Revisiting Agency Theory: Evidence of Board Independence and Agency Cost from Bangladesh", *Journal of Business Ethics*, 130, PP 181-198
- [46] Srinidhi, B., Gul. F. and Tsui, J. (2011). "Female directors and earnings quality", *Contemporary Accounting Research*, 28 (5). PP 1610-1644.
- [47] Stephen, O A, Iyoha, F, O, & Obigbemi, I, F, (2014). Effectiveness of Audit Committee and Firm Financial Performance in Nigeria: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting and Auditing: Research & Practice* <http://www.ibimapublishing.com/journals/JAARP/jaarp.html>, DOI: 10.5171/2014.301176.
- [48] Thiruvadi, S., & Huang, H. W. (2011). "Audit committee gender differences and earnings management", *Gender in Management: An International Journal*, 26 (7), PP 483-498.
- [49] Usman, M, Farooq, M.U., Zhang, J., Makki, A.M.M., & Khan, M. K. (2019). Female directors and the cost of debt: Does gender diversity in the boardroom matter to lenders?. *Managerial Auditing Journal*, In Press.
- [50] Wahid, A. S. (2018). The Effects and the Mechanisms of Board Gender Diversity: Evidence from Financial Manipulation, *Journal of Business Ethics*, <https://doi.org/10.1007/s10551-018-3785-6>.
- [51] Zahra, S.A., & Pearce, J.A. (1989). "Boards of directors and corporate Financial Performance", *A Review and Interactive Model, Journal of Management*, 15, (2), PP 291-334.